

لاهمای مطالعات زنان

به نام سنت

لاهمای مطالعات زنان-۲

www.ketab.ir

سرشناسه	:	احمدی، کامیل - ۱۳۵۰
عنوان و نام پدیدآور	:	به نام سنت / کامیل احمدی.
مشخصات نشر	:	تهران : شبیرازه، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	:	۱۴۶ص.
فروست	:	راهنمای مطالعات زنان؛ ۲.
شابک	:	978-964-6578-68-5
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
موضوع	:	ختنه زنان - ایران - نمونه پژوهی
موضوع	:	ختنه زنان - ایران
موضوع	:	ختنه زنان
رده بندی کنگره	:	GN ۴۸۴ / الف ۳ ب ۹ ۱۳۹۴
رده بندی دیویی	:	۳۹۲/۱
شماره کتابشناسی ملی	:	۴۰۶۴۸۴۳

به نام سنت

نویسنده : کامیل احمدی

طراح جلد : سار پز شک

تنظیم صفحات : علی اصغر خرمشاهی

چاپ و صحافی : کتابخانه

چاپ اول : زمستان ۱۳۹۵

تیراژ : ۱۰۰۰

شابک : ۹۷۸ - ۹۶۵ - ۶۵۷۸ - ۶۸ - ۵

بهاء : ۱۱۰۰۰ تومان

*** نشر فرهنگ پیرازه ***

حق چاپ و نشر محفوظ است.

تلفن : ۲۲۵۶۰۹۸۳ - ۲۲۵۴۰۳۱۷

فهرست مطالب

ط	یادداشت ناشر	۱
م	سیاسگزاری	۲
ف	پیکیده	۳
ق	پیشگفتار	۴
۱	فصل اول: ختنه زنان در جهان	۱
۲	ختنه دختران، اصطلاحات و تعاریف	۲
۶	شرایط و عوارض ختنه دختران	۶
۸	تاریخ ختنه دختران	۸
۹	رواج ختنه دختران در جهان	۹
۱۱	سیاست ختنه دختران: انگیزه‌ها و موانع	۱۱
۱۴	روند نزولی ختنه دختران	۱۴
۱۹	فصل دوم: رواج ختنه دختران در ایران	۱۹
۱۹	مسئله ختنه دختران در ایران	۱۹
۲۲	برخی مطالعات مربوط به ختنه دختران در ایران	۲۲
۳۴	سوابق و زمینه تحقیق	۳۴
۳۶	گستره جغرافیایی تحقیق	۳۶
۳۸	رویکرد تحقیق	۳۸
۳۹	روش تحقیق	۳۹
۴۱	آمار کمی ختنه دختران	۴۱
۴۳	نمودار استانه‌های منتخب	۴۳
۴۹	رواج ختنه دختران با توجه به سن	۴۹

- روند ختنه در بین نسلهای مختلف ۵۱
- تأثیر عامل تحصیلات ۵۴
- تأثیر مذهب ۵۵
- تأثیر عامل بضاعت خانواده ۵۷
- نقش نگرش مردان و زنان به ختنه دختران ۵۹
- تأثیر وجود نوع ختان (ختنه کننده) ۶۱
- زنان تحصیلکرده حامی ختنه دختران ۶۳
- بلاصه یافته‌ها ۶۵
- مداخلات آزمایشی ۶۷
- فصل سوم: سری اجمالی به تاریخ مبارزه علیه ختنه دختران ۷۱
- قوانین بین‌المللی ۷۶
- ضعف قوانین منع ختنه دختران در خاورمیانه و ایران ۷۷
- عوامل اصلی دخیل در ختنه دختران ۸۳
- نکاتی دیگر از منظر مردان در خصوص ختنه دختران ۸۵
- دین: مخالف یا موافق ختنه دختران؟ ۸۷
- فتوا در باب ختنه دختران در کردستان عراق ۹۲
- فرقه‌های مذهبی و ختنه دختران: پیچیدگی‌های مذهبی در ایران ۹۲
- دیدگاه‌های روحانیون سرشناس ۹۵
- غرامت قانونی ختنه دختران ۱۰۲
- فصل چهارم: نتیجه‌ها، آموخته‌ها، و پیشنهادها ۱۰۵
- نتیجه‌گیری ۱۰۵
- آموخته‌هایی از تحقیق و طرحهای آزمایشی ۱۰۹
- مسیر پیش رو: پیشنهادها ۱۱۱

یادداشت ناشر

در جامع مختلف همواره شاهد بوده‌ایم آنچه یک روز سنتی دیرین قلمداد و تا حد قداست پاس داشته می‌شد، در زمان و مکانی متفاوت به دید تحقیر یا ناچار یک پدیده غلط انگاشته شده‌است. بارها دیده‌ایم که با اخلاقی کردن ریاضت‌ها و مقوله، چه وقایع زیانبار و مصیبت‌های سختی «به نام سنت» بر ما و دیگران را داشته‌اند. همان سنتی که بی‌آنکه خاستگاه و دلیل وجودی آن روشن باشد، برای حفظ و ماندگاری‌اش قربانی‌هایی بر جای گذاشته‌است.

حال این سنت چنانچه با بار ارزش دیگری عجین شود، در تار و پود فرهنگ یک جامعه ریشه می‌دواند و مفهوم «تابو» را به وجود می‌آورد. در باور زیگموند فروید تابو، رفتارها، گفتارها یا امور اجتماعی‌ای است که برطبق رسم و آیین یا مذهب، ممنوع و نکوهش پذیر است.

در هر فرهنگ و جامعه‌ای با آداب و رسوم مذهبی خاص خود، عبور از مرزهای «تابویی» مستوجب کیفری است که خود در رد جامعه با رفتارشان اجرا می‌کنند. ممنوعیت و محدودیت‌های تابو بر رفتار از مرزهای اخلاقی و مذهبی می‌روند؛ خاستگاه آن مجهول و جزئی که بر خود هیچ منشاء ملکوتی و الهی و هیچ استدلال منطقی ندارد. و غالب اینکه برای افرادی که تحت سیطره آن زندگی می‌کنند، این پدیده کاملاً طبیعی و مشروع است.

اما تابویی که کتاب حاضر به آن می‌پردازد، ختنه دختران در ایران است. موضوعی که اگر امروز از چند و چون آن از دختران شهرنشین بپرسیم

شگفت‌زده می‌شوند که مگر چنین چیزی وجود دارد؟ (هرچند دختران بومی شنیده‌اند) اما در عین حال، این پرسش نیز در ذهن به وجود می‌آید که چه فرآیندی موجب تغییر نگاه نسبت به این تحریم اجتماعی می‌شود که در پی آن اقدام به سنت‌شکنی می‌گردد؟ و چه زمینه فرهنگی باعث این تفاوت‌های معنایی و ارزشی می‌شود که به دنبال آن هیئت دروغین‌اش فرو می‌ریزد؟

خوشبختانه در هر جامعه‌ای افرادی هستند که نسبت به سنن و ریشه‌های سنتی که در زمان زیست خود، کارکرد مثبتی ندارد، به دیده تردید می‌نگرند و برای تغییر آن دست به مخاطره می‌زنند. این افراد آنچه را که سنت پدران، مادران خود می‌شناسند لزوماً دارای ارزش لایزال یا مقدس نمی‌دانند و براساس دانش روز و آگاهی خود سعی در تحلیل و نقد برمی‌آیند. امروزه بسیاری از رفتارهای اجتماعی به ویژه در میان نسل جدید، تمایل به دست‌زدایی دارند. این رویکرد در پی تأثیرپذیری از نیازهای واقعی جوامع مدرن و نیز تغییر در روابط اجتماعی مدرن، و حاصل خودآگاهی‌ای است که دچار دگرگونی در هنجارها می‌شود. روند تقدس‌زدایی و تابوشکنی که به تدریج در اثر روشنگری از پدیده ختنه صورت می‌گیرد - پدیده‌ای که پیش از این قرن‌ها بی‌چون و چرا در بین اهالی مرسوم بوده - بیانگر رشد و آگاهی‌ای است که افراد نسبت به فردیت و حقوق فردی خود دست‌یافته‌اند.

اجتناب از ادامه این رسوم از سوی نسل جدید، آگاهی ناگفته و ناپیدایی است از فرهنگ مسلط ارزشگذاری‌های منسوخ و حال‌آنکه که نسبت به جسم زنان روا می‌دارد. مادران جوان از ختنه‌داری خود سرپیچی می‌کنند زیرا دیگر نمی‌خواهند جسمیت دخترکان خود را فدای پیش‌داوری‌های معیوب جامعه جهل‌زده کنند. چرا که دیگر می‌دانند این پیش‌داوری‌ها و این نگاه خجل و شرمگین نسبت به جسم او، مقدمه بهره‌برداری بی‌پایانی است. حتی مردان نسل جوان نیز این چرخه ارزشگذاری و فریب را می‌شکنند. چرخه‌ای که زنان را با نسبت دادن

عنوان «نجیب»، «بکر»، «باکره»، «ناموس»، و... او را از حقوق انسان بودن خویش بیگانه و در نهادها و مناسبات نادرست و نابرابر محبوس می‌کند. تفکر و سیستمی که بخواهد زنان را منحصرراً در نقش دختر و مادر بودن و کودک پروری و شوهرداری محدود کند، طبعاً از سوی دختران امروز شکسته خواهد شد و یقیناً حرکت آنان واکنشی است در راستای مقابله اجتماعی با ارزش‌هایی که در حال فروپاشی است. این واقعیت که کمالات جنس وجود دارد، نشان از قدرت تابو است و همچنین از ضعف ساختار خانواده‌هایی است که خود را به روز نکرده‌اند و با زمان پیش نرفته‌اند و تأثیر بدامن فرهنگ‌های کهنه پناه می‌برند.

در اینجا سخن از آزار جنسی به معنی عام نیست، چرا که مبحثی جداگانه می‌طلبد. سخن از اعمال این آزار یا خشونت جنسی است که متأسفانه از سوی زنان و مردان زنانه رت می‌گیرد. هرچند که نسخهٔ تئوریک آن از سوی مردان پیچیده شده باشد، همان زنان حافظ سنت‌های مردمحور که این ستم زن‌ستیزانه را بازتولید می‌کند سخن از آگاهی دختران جوانی است که می‌خواهند اختیار جسم و بدن خود و زندگی‌شان را در دست بگیرند و معیارها و هنجارهایشان را خود، بازبینی کنند و نه از یک نگاه معیوب و شرمگین دیگری بر آنان. ارزش‌دآوری یک انسان در تقلیل دادن او به یک اندام جزیی، همانا ریشهٔ ناهنجاری‌ها و بروز ضلالت‌هاست.

و باز هم جای خوشوقتی است که تحقیق حاضر که به یاد «تابویی» زیادی دارد از سوی مردی پژوهشگر صورت گرفته که ضمن تابوشکنی از سکوت رایج و قدرت مدار مردانه، در عین حال به نوعی واکنش به سنت جاهلانه در میان خویشاوندان خود بوده‌است. و بدین معنا، با از بین بردن هیمنه و هیبت دروغینی «به نام سنت» در تفکر قهقرایی ختنه، بدون پیشداوری و در چارچوب علمی سعی در رمزگشایی بستهٔ موهوم این معضل که ذهن جمعیتی را به خود مشغول کرده، نموده است.

زیبا جلالی نائینی

پیشگفتار

ختنه^۱ دختران موضوعی بحث‌برانگیز در سراسر جهان است و بسیاری از گروه‌های ریشه‌کن کردن آن را هدف لازم‌الاجرای خود می‌دانند، از مدافعان حقوق بشر و فعالان اجتماع‌گرفته تا سازمان‌های بین‌المللی نظیر یونسف و البته برخی حکومت‌هایی که خود را ملزم به اجرای تعهدات بین‌المللی می‌دانند.

بر همین اساس، این تحقیق پس از ۱۰ سال قبل با هدف شناختن کم و کیف ختنه دختران در ایران و همچنین به منظور برداشتن گامی در جهت مبارزه با آن شکل گرفت. از آن زمان تا کنون نیروی بسیاری صرف شد تا در مورد ختنه دختران در ایران بیشتر بدانم و به نظر آزمایشی مداخله‌هایی برای مقابله با آن صورت دهم. درک حکایات نخست دختران در ایران، کشوری که در آن این عمل در خفا صورت می‌گیرد، بسیار پیچیده و دشوار است و ریشه کن کردن این عمل از آن هم پیچیده‌تر.

شروع این تحقیق چنان که پیش از این رفت برمی‌گردد به سال ۱۳۸۴ که پس از سال‌ها از اروپا به زادگاه خود یعنی کردستان ایران بازگشتم تا درباره ختنه دختران بیشتر بدانم. پیش از آنکه به ایران برگردم چندین سال در برخی از سازمان‌های غیردولتی بشردوستان در آفریقا فعالیت کرده

۱. Circumcision (قطع عضو) معیوب‌سازی آلت تناسلی

بودم و فرصت آن را یافته بودم که با برخی از پروژه‌های سازمان ملل برای مبارزه با ختنه دختران در کشورهایی مثل سومالی، کنیا و سودان آشنا شوم. من که از کودکی خاطراتی مبهم به یاد می‌آورم حاکی از این که در بخش‌هایی از کردستان ایران دختران را ختنه یا به اصطلاح «سنت» می‌کنند، تصمیم گرفتم در این خصوص تحقیقی مقدماتی صورت دهم. بر این اساس، کار را از خانواده و بستگان نزدیک خود شروع کردم و با کمال زحمت متوجه شدم که ختنه دختران، رسمی دیرین در مناطق مکریان^۱ است و «ارزنگ، مادر و خواهر خود من نیز متحمل این عمل شده‌اند. به راستی در ایران در میان مردم مناطقی که ختنه دختران معمول نیست، کمتر کسی خبر داد که در مناطقی از کشورشان دختران را ختنه می‌کنند. مرد بودن و نیز «غیرسانی»^۲ زن من - از این جهت که در اروپا زندگی کرده بودم، از یک سو و حساسیت فعال‌العام خود موضوع از سوی دیگر موجب می‌شد که طرح پرسش‌هایی بسیار زیاده و تزینی در مورد بریدن خصوصی‌ترین بخش بدن آنهم زنان مقاومت برخی مردم را برمی‌انگیزد. متوجه شدم که برخی از اهالی محل، به‌ویژه مردان کار را به زنان نمی‌گیرند و روی خوشی بدان نشان نمی‌دهند. برخی مردم، از جمله عده‌ای از بستگان خودم، بر این عقیده بودند که درگیر شدن در چنین موضوعی در شأن یک مرد تحصیل کرده نیست و القصه پرداختن به این موضوع را کاری «مردانه» نمی‌دانستند. در اینجا باید یادی از مرحوم پدرم بکنم که علی‌رغم فشار افکار مرسوم محلی و حتی فشارهای دولتی در تمام مدت از من حمایت کرد.

۱ - مکریان میرنشین ایل‌های کرد مکری از سده ۹ تا ۱۳ هجری واقع در شمال غربی ایران در جنوب دریاچه ارومیه بوده است. حدود این منطقه در طول تاریخ متغیر بوده است و در گسترده‌ترین حالت بخش‌هایی از شمال و شمال غرب استان کردستان و جنوب و جنوب غرب استان آذربایجان غربی کنونی را در بر می‌گرفته است. مکریان هم اکنون شامل شهرهایی است چون بوکان، پیرانشهر، نقده، مهاباد، سردشت، اشنویه، شاهین دژ، تکاب، میاندوآب و بخشی کوچک از شهرستان سنقر.

رفته‌رفته دامنه کار تحقیق بسیار گسترده شد و من ناگزیر از جستجو در مناطق مختلف ایران شدم؛ در این راه، چنان‌که در بخش سپاسگزاری نیز گفتم، هم در کار میدانی و هم در تحلیل و پردازش داده‌ها، از یاری و همکاری بسیاری بهره بردم. حاصل کار کتاب حاضر است که برای نخستین بار تصویری جامع از رواج ختنه دختران در کل ایران ارائه می‌دهد. هر چند که به اقتضای رواج این عمل در بخش‌های غربی و جنوبی کشور کانون توجه آن چهار استان آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه و استان هرمزگان و جزایر آن است.

همراه با پیش برد کار پژوهش از برخی فعالیت‌ها از جمله مصاحبه‌ها یا سخنرانی‌ها هم تمهیدات لازم کردم و بدین ترتیب اجزای اساسی ساختن فیلمی مستند در باب ختنه دختران در ایران فراهم شد. اولین و البته تنها مستندی که تا به حال دربارهٔ ختنه دختران در ایران ساخته شده فیلمی است با عنوان «به نام سنت» حاوی دیدگاه‌های اهالی روستاها و توابع کردنشین مهاباد و نیز برخی روستاهای اطراف استان کردستان، اورامان-منطقه‌ای واقع میان کرمانشاه و کردستان- که خود از آنها فیلمبرداری کردم. نسخه اخیر این مستند مردم‌شناختی شامل مصاحبه‌هایی است که در برخی مناطق و روستاهای استان کرمانشاه و هرمزگان از جمله در جریان نظیر قشم، هرمز و کیش انجام داده‌ام. این مستند علاوه بر مصاحبه با زنان و ختنه‌کنندگان محلی (بی‌بی‌ها)، عقاید و باورهای مردان، کارکنان بخش‌های درمانی و پزشکی و همچنین روحانیون آن مناطق را نیز گردآوری کرده. بدین ترتیب سند تصویری گویایی از ختنه دختران، در برخی نواحی عمدتاً روستایی ایران که پای کمتر کسی بدانجا رسیده، بدست می‌دهد.

از نظر من ختنه کردن دختران و باورهای پنهان در پس آن از دیرین ناقض حقوق بشر بطور عام و حقوق زنان و کودکان بطور خاص است. و براین باور هستم که همگان باید در ریشه‌کن کردن این عمل بکوشند. در عین حال جای امیدواری و خوشوقتی است که میزان ختنه کردن دختران در

سراسر جهان روندی نزولی یافته و این روند در مناطقی از ایران که در خفا دست به این عمل می‌زنند نیز صدق می‌کند. با این حال، برای ریشه‌کن کردن کامل ختنه دختران در ایران هنوز راه درازی در پیش است و گام‌های بسیاری در آگاهی دادن افراد باید برداشت. پس از سال‌ها تحقیق و پژوهش در خصوص ختنه دختران و نیز مداخله برای مقابله با این عمل به این نتیجه رسیدیم که برچیدن بساط این عمل میسر نمی‌شود مگر با همکاری همه‌جانبه شامل دخیل و موثر در آن. به همین دلیل باید از صاحب‌نظران دولت و تصمیم‌گیرندگان در این حوزه دعوت شود که ضمن اذعان به اهمیت مبارزه با ختنه دختران همراه با فعالان و نهادهای بین‌المللی و با کمک عوامل محلی در جبهه اجتماعی آن گام بردارد. طی سال‌های گذشته من و عده‌ای دیگر حداکثر تلاش را در این کار بستیم تا حمایت وزارت‌خانه‌های مسئول و متولیان وقت مناطق درگیر را برای همکاری در برنامه‌ای مشترک به منظور برچیدن این عمل بسبب عدم امکان این تلاش‌ها عموماً به نتیجه‌ای که باید نرسید و توجه لازم از نهادهای دولتی و غیردولتی نداشت. با این حال، من و تعدادی از محققان همفکر دیگر بر آن شدیم که در این راستا نظر همه نهادهای مرتبط و دیگر افراد صاحب‌نظر را به حساسیت و اهمیت این امر جلب کنیم تا با همکاری آنان حرکت منسجمی ایجاد شود. حرکتی که هدف آن آگاهی دادن به مردم در خصوص ختنه دختران، راه یافتن به اجتماعات و گروه‌های عامل ختنه دختران و آغاز گفتگو با عوامل دخیل و زیر بار این عمل، و نیز هماهنگ کردن هرگونه برنامه عملیاتی با تجربه و در چارچوب تعهدات جهانی حقوق بشر باشد. در راستای تعامل با وزارتخانه‌ها و نهادهای مسئول در ایران از جمله نهادهای متولی بهداشت و سلامت، آموزش و پرورش و خدمات اجتماعی^۱ و همچنین دانشگاه‌های پزشکی این مهم برپایه تجربیات،

۱ - تا پیش از سال ۱۳۸۳ نهادها و سازمان‌های متعددی مسئول خدمات اجتماعی در ایران بودند. پس از آنکه قانون نظام جامع تامین اجتماعی در مجلس ششم به سال ۱۳۸۲ به تصویب رسید،

دانش و اطلاعات مربوط به استان‌هایی که در آنها ختنه دختران صورت می‌گیرد که حاصل کار چنین پژوهش‌هایی است.

از جمله تعهدات امضاکنندگان که حاصل کار چنین پژوهش‌هایی است معاهدات بین‌المللی ناظر به حقوق کودکان اجرای برنامه‌هایی است مانند ۱- همکاری و مشارکت متنفذان و افراد محلی دخیل (به دلیل ماهیت حساس این موضوع از لحاظ فرهنگی) ۲- برنامه آموزش ملی و استانی که در مسیر مسائل ارتقای آگاهی در مورد خطرات ختنه دختران را نیز در خود بخنجانند و ۳- وضع قوانین جدید برای جرم‌انگاری ختنه دختران.

دولت می‌تواند برای مبارزه با ختنه دختران در ایران از تجربه‌ها و موفقیت‌های مختلف بین‌المللی در این کار کمک بگیرد، به‌عنوان نمونه بهره‌گیری از برنامه‌های ریسک‌ناپذیر و نیز توانایی‌های بالقوه سازمان‌های غیردولتی (NGO) و سازمان‌های محلی (CBO) در ایران پیشنهاد می‌شود. پیشنهاد می‌شود تا مبارزه خود را با ختنه دختران به انجام برساند. به اعتقاد من تنها با همکاری همه جاذبه‌های فعالان، سازمان‌های بین‌المللی و مردم محلی می‌توان امید داشت که ختنه دختران در ایران ریشه‌کن شود.

کتاب حاضر را در قالب چهار فصل اصلی تنظیم کرده‌ام. در فصل اول، پس از مقدمه‌ای کوتاه به تعریف ختنه زنان، تشریح اصطلاحات این مقوله می‌پردازم و انواع ختنه دختران را برمی‌شمارم. سپس به ریشه‌های تاریخی آن خواهم پرداخت و در ضمن به برخی مسائل دخیل در شکل‌گیری و شیوع این عمل اشاره خواهم کرد. در گام بعدی سوری از رواج آن در سراسر جهان بدست خواهم داد و نهایتاً شواهدی بر روند نزولی انجام این عمل ارائه خواهم کرد. در فصل دوم، ابتدا از رواج ختنه

→

وزارت رفاه و تأمین اجتماعی ایران با هدف تجمیع این نهادها و سازمان‌ها در مجلس هفتم تشکیل شد. این وزارتخانه از تیرماه سال ۱۳۹۰ با دو وزارتخانه دیگر یعنی تعاون و کار و امور اجتماعی ادغام شده و بدین ترتیب وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی شکل گرفته است.

دختران در ایران و به پیشینه مطالعات انجام شده در این خصوص می‌پردازم. سپس تحقیق خود را معرفی و یافته‌های خود را مطرح خواهم کرد. و اینکه ختنه زنان در کدام مناطق ایران معمول است. نام برخی از روستاهایی را که انجام این عمل در آنها معمول است ذکر و اطلاعاتی در خصوص آنها ارائه خواهم کرد. در گام بعد عوامل موثر در ختنه زنان و دلایل و باورهای متفاوت در توجیه این عمل طرح و نهایتاً از اقداماتی خواهم گفت که تاکنون در هر منطقه برای مقابله با این سنت صورت گرفته است و ضمناً به مدانه‌های آزمایشی خود اشاره خواهم کرد. در فصل سوم ابتدا مروری است بر تاریخ مبارزه با ختنه زنان و اقدامات قانونی که در این خصوص در سطح جهان صورت گرفته است. در گام بعد از وضعیت و امکانات قانونی ایران در مسئله ختنه دختران و نهایتاً برخی دیدگاه‌های فقهی مربوط به ختنه دختران را طرح خواهم کرد. در فصل آخر به اتکای برخی نتیجه‌ها و آموخته‌های این پژوهش و نیز به پشتوانه تجارب دیگر، پیشنهادهایی برای جوامعی که این عمل در آنها معمول است و نیز برای مسئولان دولتی و وزارتخانه‌های مسئول بهداشت، آموزش و پرورش و خدمات اجتماعی در جهت ریشه‌کن کردن ختنه دختران در ایران ارائه خواهم داد.

بخش اعظم داده‌هایی که طی این تحقیق گردآمده است، هنوز نیازمند تحلیل بیشتر است. اما تصمیم گرفتم که آن را به همین صورتی که هست به زبان انگلیسی، فارسی و کردی در قالب کتاب منتشر کنم. پس از این کار بنا دارم مطالعاتم در مورد ازدواج کودکان در ایران را نیز که پژوهش آن به موازات تحقیق حاضر از چند سال قبل آغاز کرده‌ام منتشر کنم. در آخر لازم به توضیح است بهتر است برای مطالعه علمی این پژوهش و بهره‌گرفتن از آن، دور از هر نوع داوری بر پایه پیش‌دستی‌های فرهنگی و با ذهن آزاد باشد. ضمن اینکه از هر نوع پیشنهاد و انتقاد تکمیل اطلاعات استقبال می‌کنم.